

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۲۸ فروری ۲۰۲۰

توضیح پیام فدائی: بدنبال قیام خونین دلاورانه مردم در آبان [عقرب] ۹۸، فرصتی دست داد تا کانال تلگرام "بذرهای ماندگار" مصاحبه ای با رفیق اشرف دهقانی در باره این قیام با عنوان "راه انقلاب ما" انجام دهد. این مصاحبه در تاریخ ۲۲ آذر [قوس] ۱۳۹۸ انجام پذیرفت. آن چه در زیر می آید متن مصاحبه مزبور می باشد. "پیام فدائی" این مصاحبه را با برخی تصحیحات جزئی از صورت گفتار به نوشتار آورده است و به این طریق در اختیار علاقه مندان قرار می دهد.

(بخش دوم و پایانی)

"راه انقلاب ما!"

مصاحبه کانال تلگرام بذرهای ماندگار با رفیق اشرف دهقانی

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با درود های گرم به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" کانال تلگرام چریکهای فدایی خلق ایران. رفیق اشرف با تشکر از شما که به خواست ما برای این گفتگو پاسخ مثبت دادید. بخش دوم (و پایانی) مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی را در رابطه باقیام توده های ستمدیده مان در آبانماه امسال، ۱۳۹۸، پی می گیریم و با رجوع به مقاله ای که رفیق اشرف در جریان این قیام تحت عنوان "خشم توده ها جز با آتش به جان خصم، خاموشی نمی گیرد" منتشر نمودند، بقیه پرسش های مطرح را با این رفیق در میان می گذاریم.

پرسش: شما در بخش اول این مصاحبه، مطرح کردید که شرط رهایی کارگران و ستمدیدگان، نابودی نظام سرمایه داری وابسته در ایران هست. بگذارید سؤال کنم آیا از همین واقعیت می شود نتیجه گرفت که اون نیرو هایی که نابودی نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم بر ایران را در چشم انداز فعالیت های خودشان قرار نداده اند عملاً جنبش مردم را به بیراهه می برند؟

رفیق اشرف دهقانی: با درود به شما و همه شنوندگان عزیز کانال بذرهای ماندگار. بدون شک منظورتان نیروهای سیاسی در اپوزیسیون است. بله، بخشی از این ها واقعاً مشکلی با نظام سرمایه داری حاکم ندارند و مسئله شون فقط رفتن جمهوری اسلامی؛ و برای این منظور مثلاً زمانی از فراندوم صحبت می کردند و یا الان شورای دوره گذار تشکیل داده اند.

این بخش از اپوزیسیون، صرفاً اسلامی بودن رژیم و یا وجود خامنه ای و آخوندها را عامل وضعیت غیر قابل تحمل کنونی جا می زنند و البته پنهان می کنند که این رژیم در اساس توسط تکنوکرات ها و بوروکرات هائی اداره می شه که خیلی هاشون هم تحصیل کرده های دانشگاه های خارج از کشورند. در هر حال، کل گردانندگان رژیم چه معمم و یا پوشیده در حجاب به اصطلاح اسلامی باشند و چه کت و شلوار، از طریق حفظ سیستم سرمایه داری حاکم است که دمار از روزگار مردم در می آورند. کسانی که این واقعیت را از مردم کتمان می کنند آگاهانه می کوشند که مبارزات مردم را به بیراهه ببرند. چون کسانی که صرفاً به قول خودشون، "اسلام و حاکمیتش" و یا آخوندها و خامنه ای را نفی می کنند و خواهان از بین بردن سیستم سرمایه داری در ایران نیستند، فقط می خواهند در شکل حاکمیت تغییری حاصل بشه و کاری به از بین بردن ریشه ظلم و ستم در جامعه ندارند؛ و در نتیجه راه آن ها به تداوم وضع جهنمی که الان هست برای مردم ما می انجامد. در حالی که توده های محروم ما نه فقط آخوندها و خامنه ای و کل حاکمیت جمهوری اسلامی را نمی خواهند، بلکه می خواهند که همراه این دار و دسته اسلامی، به نظم سیاسی - اقتصادی ظالمانه حاکم بر ایران هم پایان داده بشه. اتفاقاً، یکی از درس های تجربه انقلاب سال ۵۷ هم همینیه. چون در آن زمان، مردم فداکار و قهرمان ایران توانستند رژیم شاه را که مثل همین رژیم جمهوری اسلامی توسط امپریالیست ها سر کار آمده بود، سرنگون بکنند ولی چون نتوانستند به طور مسلحانه سازماندهی بشن و انقلاب ۵۷ را ادامه بدهند، سیستم سرمایه داری پا برجا ماند و رژیم جدیدی که خودش را در پرده اوهام اسلامی پوشانده بود، حفاظت از این سیستم و نیروهای مسلح شاهنشاهی را به عهده گرفت - البته اسم جدیدی روی ارتش شاهنشاهی گذاشتند و همان ارتش را اسمش را عوض کردند و گفتند "ارتش اسلامی". از آن زمان تا امروز، به همان نسبتی که سیستم سرمایه داری، با سرعت زیاد در مقایسه با دوره شاه، انکشاف و گسترش پیدا کرده - این مهمه بهش توجه بشه - به همان نسبت هم مصیبت های وارده از این سیستم خیلی بیشتر از دوره شاه نصیب مردم ما شده. برای همینیه که امروز هم صرفاً به رفتن خامنه ای و آخوندها اکتفاء بشود، یا حتی به قول آن ها، "حاکمیت اسلام" تغییر بکند، حاکمیت سرمایه داران و دیکتاتوری و ظلم و ستم از بین نمی رود.

پرسش: با توجه به توضیحات شما، پذیرش ضرورت نابودی سرمایه داری، گام اول برای رهائی از شرایط جهنمی کنونی می باشد. منطقاً در گام بعد باید روشن کرد که چگونه می خواهیم به این هدف برسیم. چون راهی که ارائه داده می شه نباید در عمل خود هدف را به حاشیه ببره، یا ادعاهائی مطرح بشوند که به حفظ وضع موجود منتهی بشود.

پاسخ: این سؤال خوبیه، چون امکان می ده در مورد نیروهای سیاسی دیگه ای هم که در اپوزیسیون هستند صحبت کنیم. منظورم نیروهائی هستند که ظاهراً از ضرورت نابودی سیستم سرمایه داری در ایران حرف می زنند ولی راه روشن و یا درستی برای این منظور ارائه نمی دهند. به خصوص نمی گویند که چطوری می خواهند تکیه گاه اصلی رژیم که همون نیروهای مسلح اش هست را از بین ببرند و چه می خواهند به جای آن بگذارند و چطوری! این نیروهای سیاسی که معمولاً مدافع "کار آرام سیاسی" خوانده می شوند، سال های سال با استناد به انقلاب روسیه مطرح می کردند که برای پیروزی انقلاب، اول اعتصاب عمومی صورت می گیره و این اعتصاب در پروسه خودش به قیام مسلحانه مردم و پیروزی انقلاب منجر می شود. البته این ها شکست انقلاب ۱۳۵۷ را به روی خودشون نمی آورند. چون در سال ۵۷، هم، حدوداً اعتصاب عمومی صورت گرفت و هم، قیام بهمن رخ داد. با این حال، انقلاب شکست خورد و به جای نیروهای انقلابی و کمونیست، یک نیروی ارتجاعی بر سر کار اومد. واقعیت این است که هم، تحلیل علمی از شرایط جامعه ایران، ثابت می کنه که راه پیروزی انقلاب ایران، قیام مسلحانه توده ای چند روزه نیست، بلکه یک جنگ توده ای در یک مسیر طولانی و هم، همه تجربه های عملی نشان می دهند که در شرایط ایران، تَر "اول

اعتصاب عمومی و بعد قیام مسلحانه"، یک تز ورشکسته است و نمی تواند منجر به پیروزی مردم بشود. از جنبه دیگر، جالبه که حالا که قیام آبانماه توده های انقلابی ما به دنبال یک اعتصاب عمومی به وجود نیامد، همه اون هائی که ضرورت سازماندهی مسلح توده ها را نفی می کنند چه در صف خلق و چه غیر از آن، به فرمول اعتصاب عمومی بعد از قیام مسلحانه چسبیده اند. این ها بدون آن که ملزومات یک اعتصاب عمومی را بشناسند، از مردم می خواهند دست به اعتصاب بزنند. گویا، تصور شون اینه که اعتصاب عمومی، آن قیام را تکمیل می کنه و گویا از این طریق، رژیم دیگر سقوط می کنه و انقلاب مردم به پیروزی می رسه. حالا اگر نیروهای ضد خلقی را کنار بگذاریم که به طور روشن هدفشان اساساً خاموش کردن آتش جنبش توده هاست، و خطاب مان فقط نیروهای باشند که از ضرورت نابودی سیستم سرمایه داری در ایران حرف می زنند، باید از آن ها سؤال کرد که مگر ستون فقرات دولت سرمایه داری حاکم بر ایران را ارتش و دیگر نیروهای مسلح ضد خلقی تشکیل نمی دهند؟ آیا به صرف اعتصاب عمومی این ستون در هم شکسته می شه؟ به راستی برای در هم شکستن ستون فقرات رژیم جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت سرمایه داری - البته (وابسته به امپریالیسم)، نیاز به چه نیروئی هستش؟ نیروهای سیاسی ای که از ضرورت نابودی سیستم سرمایه داری در ایران حرف می زنند، ولی از پیمودن راه جنگ توده ای طفره می روند و همچنان به فرمول اول اعتصاب عمومی و بعد قیام مسلحانه چسبیده اند - که البته خود شون هم می دانند بدون رهبری انقلابی یک همچنین قیامی خواهد بود - چون در شرایط دیکتاتوری حاصل از سلطه امپریالیسم در ایران از راه های غیر مسلحانه، رهبری انقلابی شکل نمی گیره - پس این ها، فقط در حرف علیه سرمایه داری هستند. راه آن ها بیراهه هست و در نتیجه به از بین رفتن سرمایه داری منجر نمیشه بلکه به حفظ وضع موجود کمک می کنه.

پرسش: مسلماً همه قیام هائی که در جامعه ما صورت گرفته، تجربه های گران بهائی به جا گذاشته اند و درس هائی به مردم برای پیشروی های بعدی شان آموخته اند. مثلاً همین قیام حماسی و پر صلابت آبانماه حاوی تجارب و درس هائیه که باعث می شوند توده های محروم ایران یک قدم دیگه به دروازه پیروزی نزدیک بشوند. اما این هم، واقعیتیه که هر قیام قهر آمیز توده ای باید رهبری انقلابی داشته باشه تا بتواند راه خودشو به پیروزی باز بکنه. درحالی که نه در قیام بهمن ۵۷ و نه در قیام های ۹۶ و ۹۸، رهبری وجود نداشت. آیا شما فقدان رهبری را دلیلی نمی بینید که به رژیم امکان سرکوب همین قیام آبانماه را داد؟ و در ضمن، مگر اعتصاب عمومی، شرایط سرنگونی رژیم را تسهیل نمی کند؟

پاسخ: در مورد اعتصاب عمومی، شکی نیست که می تواند اقتصاد کشور را فلج بکنه و این هم ضربه مهم دیگه ای به رژیم جمهوری اسلامی وارد می کنه. اما بحث این نیست که اعتصاب عمومی خوب است یا بد است. بحث بر سر اینه که انقلاب مردم چطوری می تواند پیروز بشود. اجازه بدید بیشتر توضیح بدم. ببینید، کارگران و توده های دیگه ما متشکل نیستند و رهبری انقلابی هم وجود نداره که با چنان تشکل هائی (که خود شون هم وجود ندارند) پیوند داشته باشد. پس توده های ما با اتکاء به چه قدرتی در پشت سر شون، می توانند دست به اعتصاب عمومی بزنند؟ یکی از الزامات دست زدن توده ها به اعتصاب عمومیه اینه که ببینند تشکیلاتی و رهبری پر قدرتی وجود داره که بر کارگران و دیگر توده های ستمدیده ایران که متشکل هستند متکی است. البته می شود این را هم در نظر گرفت که ممکنه با تشدید بحران انقلابی در جامعه وقتی شیرازه امور تا حد زیادی از هم پاشیده شده، در شرایط خاصی، اعتصاب عمومی هم صورت بگیره - وضعی که در سال ۵۷ به وجود اومد. ولی وقتی رهبری انقلابی بر سر این اعتصاب عمومی نباشه، چه پیش خواهد اومد؟ جدا از هر تحلیلی، تجربه نشون می دهد که اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه بدون رهبری انقلابی امکان به پیروزی رساندن مردم تحت ستم ما را نداره. آیا یکی از دلایل شکست قیام بهمن ۵۷ همانا فقدان یک رهبری انقلابی بر سر آن نبود؟

حالا، از فقدان رهبری بر سر قیام آبانماه اخیر صحبت می شه. شکی نیست که اگر رهبری وجود داشت وضع طور دیگه ای می شد. اما مسئله اینه که رهبری در شرایط دیکتاتوری حاکم بر ایران چطور ممکنه به وجود بیاد؟ ما باید سعی کنیم بدون الگو برداری از هر انقلابی در جهان، قانونمندی های جامعه تحت سلطه ایران را بشناسیم. همان طور که در جمهوری اسلامی می بینیم که دیکتاتوری، به کارگران حتی امکان تشکل صنفی هم نمی دهد، در دوره شاه هم همین طور بود. پدید آورنده این نوع دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز هم پدر شاه بود که به همین خاطر توده های ما به او لقب رضاخان قلدر دادند. این دیکتاتوری ها همه نتیجه سلطه امپریالیسم بر جامعه ایران است. تجربه هم نشون میده که در جامعه ای که چنین دیکتاتوری ای حاکمه، از راه های مسالمت آمیز یا غیر مسلحانه و به صرف مخفی کاری، هیچ تشکیلات انقلابی نمی تونه به وجود بیاد که بعد رشد بکنه و رهبری را به وجود بیاره. در نتیجه ما همواره با یک دور باطل روبرو خواهیم بود: یعنی قیام خود به خودی توده ها، فقدان رهبری، بعد عدم پیروزی قیام. این دور باطل رو تنها با پیگیری راهی می شود از بین برد که چریکهای فدائی خلق از دیر باز پیش پای انقلابیون پیشرو جامعه و همه توده های مبارز گذاشته اند، یعنی راه دست زدن کارگران و روشنفکران آگاه و پیشرو به مبارزه مسلحانه چریکی با هدف استراتژیکی تشکیل ارتش خلق برای مقابله با ارتش ضد خلق. یعنی راه "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک". در این مسیر که کارگران و روشنفکران پیشروی سازمان یافته در یک تشکل انقلابی، می توانند با طبقه کارگر ارتباط برقرار بکنند، به سازماندهی اشکال گوناگون مبارزه توده ها بپردازند و بالاخره رهبری انقلابی را در جامعه شکل بدهند. چریکهای فدائی خلق از همان آغاز شکل گیری شان بر این واقعیت - که در کتاب رفیق مسعود احمدزاده درج شده - تأکید کرده اند که راه پیروزی انقلاب ایران، قیام مسلحانه چند روزه نیست، بلکه جنگ توده ای است. چون در جریان چنین جنگیه که یک ارتش مردمی با رهبری طبقه کارگر انقلابی می تونه به وجود بیاد و آن گاه این قدرت متشکل توده های مسلح، می تونه ارتش کنونی و همه نیروهای مسلح ضد خلقی را در هم بکوبد، شکست بدهد. و در این صورته که توده های تحت ستم ما تحت یک رهبری انقلابی، قادر می شوند سیستم سرمایه داری را از بین ببرند و هرگونه نفوذ امپریالیست ها از جامعه ما را قطع کنند؛ و در این صورت، رسیدن به استقلال و در نهایت به یک جامعه سوسیالیستی از یک آرزو، به واقعیت تبدیل می شه.

پرسش: اجازه بدید یک سؤال دیگه ای را مطرح بکنم. با توجه به این واقعیت که رسانه های امپریالیستی روی بازگشت سلطنت به عنوان یک آلترناتیو زیاد تبلیغ می کنند و خود طرفداران سلطنت هم رسماً اعلام می کنند که قصد خدشه وارد کردن به نظم سرمایه داری حاکم را ندارند، جایگاه این نیرو در معادلات سیاسی ایران کجا قرار می گیره؟

پاسخ: به نظر من این بدبختی امپریالیست ها و نشانه استیصال آن هاست که از وقتی متوجه تلاش های عملی ستمدیدگان ایران برای سرنگونی رژیم دست نشانده شون شدند که در لفافه اسلام کارهاشو پیش می بره، به احیای سلطنت در ایران روی آورده اند. یعنی به یک نیروی آشکارا ارتجاعی دیگه. البته فعلاً روی سلطنت تبلیغ می کنند تا با این جریان ارتجاعی، اعتشاشی در جنبش مردم به وجود بیاورند. سلطنت طلبان نه فقط قصد وارد آوردن کمترین خدشه ای به سیستم سرمایه داری در ایران را ندارند، بلکه به دلایل کاملاً مشخص، چه به دلیل گرفتاری این سیستم در بحرانی عمیق و چه به دلیل هشیاری کارگران و ستمدیدگان دیگه ما و مبارزه شون علیه حاکمیت سرمایه داران در ایران، خودشون را آماده می کنند که اگر اربابان امپریالیست شان روزی آن ها را سر کار آوردند با اعمال شدیدترین خونبارترین دیکتاتوری ها - تأکید می کنم شدید ترین و خونبار ترین دیکتاتوری ها، طوری که دیکتاتوری وحشتناک و جنایت بار کنونی جمهوری اسلامی در مقابل اون به قول معروف لنگ بیاندازه، سیستم ظالمانه سرمایه داری رو تداوم بدهند و بردگی زجر آوری رو به کارگران و زحمتکشان ما تحمیل بکنند.

مدهاست که رسانه های ارتجاعی از "بی بی سی" و "ایران - اینترنشنال" گرفته تا رسانه های خاص سلطنت طلبان و به خصوص رسانه "من و تو" سعی می کنند شعار "رضا شاه، روح شاد" را به دهن مردم بیاندازند. من نمی خواهم در این جا لیستی ارائه بدهم و بگویم که رضا شاه چه خدمت هائی به امپریالیسم انگلیس کرد تا جنگ در ثروت های ایران بیاندازه و آن ها را غارت و چپاول بکنه، به این موضوع هم نمی پردازم که رضا شاه علیه مردم ما دست به چه سرکوب هائی زد و چه اختناق را در جامعه ایران آن زمان برقرار کرد و چگونه همه نهادهای آزادیخواهانه که در جریان انقلاب مشروطیت به وجود آمده بودند و از جمله اتحادیه های کارگری را تار و مار کرد و از بین برد؛ فقط به این نکته اشاره کنم که کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ که به قدرت گیری رضا خان منجر شد در واقع تیر آخر را به همه دستاوردهای انقلاب مشروطیت زد. با این کودتا بود که یک دیکتاتوری سیاه بر کشور ما حاکم شد که تا به امروز هم ادامه پیدا کرده. به واقع، رضا شاه، معرف اولین دیکتاتوری امپریالیستی در ایران می باشد که چرخ های حکومتش برای تأمین منافع امپریالیسم انگلیس، در حرکت بودند. حالا که این بحث پیش آمد بد نیست به یک مورد از گزارش تظاهرات فعالین چریکهای فدائی خلق در خارج از کشور، در پشتیبانی از توده های قیام کننده اشاره کنم. می دانید که اخیراً سلطنت طلبان فرصت پیدا کرده اند خودی نشان بدهند و امروز در تظاهرات نیروهای چپ در خارج از کشور به ایجاد اغتشاش مشغولند و البته رسانه های امپریالیستی هم دوربین هایشان را روی آن ها زووم می کنند تا افکار عمومی را فریب بدهند و سلطنت طلبان در خارج از کشور را حامی مردم ایران جا بزنند. در جریان این اغتشاش، فردی در میان سلطنت طلبان به یکی از مبارزین گفته بود: "بدبخت! اگر رضا شاه نبود تو الان شناسنامه هم نداشتی". آیا این ادعای درستی است؟ در این جا می خواهم به جوان هائی که ممکن است از تاریخ ایران اطلاع کافی نداشته باشند در پاسخ به آن ادعا، بگم. نه، اگر رضا شاه و هم کیشانش نبودند که به امپریالیست ها کمک بکنند تا انقلاب مشروطه ما رو به شکست بکشاند - می دانید که همین رضا شاه در زمان انقلاب مشروطیت، گروهبانی در ارتش ارتجاعی قزاق بود که علیه ستارخان و باقرخان و کمونیست هائی مثل حیدر عمو اوغلی می جنگید. بله اگر عناصر مرتجعی چون این گروهبان قزاق نبودند که خودشون را به امپریالیست ها بفروشدند، انقلاب مشروطیت ما که یک انقلاب بورژوا - دموکراتیک بود پیروز می شد. آن وقت، در اثر این انقلاب، مردم ما، هم، شناسنامه دار می شدن و هم به آزادی های دموکراتیک دست پیدا می کردند. آزادی و دموکراسی در جامعه ایران برقرار می شد و راه رشد صنعتی کشور هم هموار می گردید.

برگردیم به اصل مطلب، به طور کلی بگم، اگر قرار باشه یک بار حکومتی به اسم اسلام، روزگار را بر مردم سیاه بکنه و یک بار هم حکومتی غیر اسلامی و ظاهراً مدرن و سکولار سرکار بیاد که بخواد با آزادی ماتیک و ناخن بلند برای زنان و فکل و کراوات برای مردان، سر مردم کلاه بگذاره و حفاظت از سیستم ظالمانه سرمایه داری را به عهده بگیره، آنوقت دیگه فقط در نوع شکنجه مردم تفاوت ایجاد شده نه این که پایانی بر زندگی شکنجه بار کنونی گذاشته شده باشه.

پرسش: شما یکی از کمبود های قیام اخیر را فقدان سازماندهی و رهبری انقلابی می دانید و ایجاد این امور مهم را از طریق راه های غیر مسلحانه ممکن نمی دانید؛ و پیشنهاد تشکیل گروه های سیاسی - نظامی را می کنید که در جریان رشد خودشون باید به تشکیل ارتشی از توده های مسلح بیانجامد. چه فاکتورهایی در شرایط کنونی چنین مسیری رو الزامی می کنند؟

پاسخ: سعی می کنم به این سؤال پاسخ کوتاهی بدم چون زیاد حرف زدم و امیدوارم که شنوندگان کانال بذرها را خسته نکرده باشم. ببینید، دیکتاتوری، یکی از اصلی ترین فاکتورها است که به راحتی امکان ایجاد یک رهبری انقلابی را

نمی دهد. خیلی ها به درستی مطرح می کنند که جنبش انقلابی توده ها نیاز به تشکیلات و رهبری انقلابی دارد. ولی با این که دیکتاتوری را مانع اصلی شکل گیری تشکیلات و رهبری انقلابی در جامعه می دانند، شکل های درست مبارزه با این دیکتاتوری را ارائه نمی دهند. در حالی که چریکهای فدائی خلق از همان آغاز شکل گیری شان بر ضرورت مبارزه مسلحانه با دیکتاتوری تأکید کردند و معلوم کردند که در شرایط دیکتاتوری در ایران، اولاً یک گروه انقلابی تنها و تنها با تعرض مسلحانه به دشمن می تواند اصلاً موجودیت خودش را حفظ بکند؛ و ثانیاً یک گروه کمونیستی با مبارزه مسلحانه و ضربه زدن به دشمن می تواند قدرت بگیرد، بعد، دیکتاتوری را تضعیف بکند و به قوی در آن شکاف ببندد و با کمک کارگران و توده های رزمنده دیگر، شرایطی در جامعه به وجود بیاورد که امکان پیوند با طبقه کارگر و بالاخره تشکیل حزب کمونیست را پیدا بکند. امروز ما وظیفه خودمون می دانیم که تجربیات مان را در اختیار جوانان انقلابی قرار بدیم. تجربیاتی که به واقع با خون نوشته شده اند. بر این اساس است که بر ضرورت تشکیل گروه های سیاسی - نظامی در شرایط کنونی تأکید می کنیم. این گروه ها در جریان انجام مبارزات چریکی علیه دشمن، خودشون را به مردم می شناسانند و طرفداری مادی و معنوی توده ها را به طرف خودشان جلب می کنند. در این صورت، گروه هایی که تئوری واقعا کمونیستی و منطبق بر شرایط جامعه رهنمون آن ها باشد و بهتر عمل کنند، بیشتر امکان گسترش و جلب توده ها و جذب آن ها را به طرف خودشان خواهند داشت. این گروه ها در پروسه ای به هم می پیوندند و تشکیلات قوی ای به وجود می آید که همان تشکیلات رهبری کننده جنبش توده هاست.

بذره های ماندگار: با سپاس از این که پاسخگوی پرسش های ما بودید. لطفاً اگر مورد دیگری هست که ضروری می بینید که به آن اشاره شود بفرمائید؟

پاسخ: من یک بار دیگره سپاس و ستایش خودمو به توده های رزمنده ایران که در این قیام اخیر جسارت و از خود گذشتگی بی نظیری از خودشون نشان دادند، ابلاغ می کنم. قهرمانی و رزم سلحشورانه این توده ها در جریان قیام خونین شان تجربه های گران بهائی به جا گذاشته که مطمئناً راه را برای پیشروی های بعدی ستمکشان تا رسیدن به پیروزی هموار می کند. در حال حاضر این قیام، شدت و ابعاد سرکوبگری و جنایتکار بودن جمهوری اسلامی را به طور کاملاً عریان در معرض دید همگان قرار داده و یک بار دیگر به طور قطع ثابت کرد که با این رژیم جز به زبان اسلحه و قهر انقلابی نمی شود سخن گفت.

قیام آبانماه، حمایت امپریالیست ها از چنین رژیم خونخوار و همین طور ضدیت آن ها را با توده محروم و گرسنه ایران را هم افشاء کرد. همچنین سازش کارانی که مبارزه به اصطلاح مدنی را برای نجات از جهنم موجود پیش پای مردم می گذاشتند و الان هم می گذارند را هم رسوا کرد.

در آخر به این هم اشاره بکنم که جمهوری اسلامی در مقابل قدرت توده ها و خشم انقلابی اون ها چاره ای ندارد که جنایات خودش را در دهه ۶۰ به رخ مردم بکشد و همون روش های جنایت کارانه را در پیش بگیرد. خیال می کند که می تواند به این شکل در میان این توده ها، ایجاد رعب و وحشت بکند. در حالی که این مردم تجربه چهل سال حاکمیت دار و شکنجه جمهوری اسلامی را پشت سر دارند و تلاش های این چنینی رژیم به جای ترس، به آن ها یاد می دهد که باید بدون هیچ گونه توهمی نسبت به نیروهای مسلح رژیم، با ابزار لازم و با قاطعیت هر چه بیشتری به جنگ تعرضی علیه دشمن دست بزنند؛ و همان قدر با بی رحمی با دشمنان خودشون برخورد کنند که آن دشمنان بی هیچ عذوقتی چنین می کنند. شکی نباید داشت که دشمنان مردم علیرغم ظاهراً قدرتمند بودن شان در مقابل قدرت توده های رزمنده ما که توسط طبقه کارگر آگاه و انقلابی ایران، رهبری بشوند، جز شکست و نابودی نصیبی نخواهند داشت، و دست آورد مبارزات توده های ستمدیده ما، نان و کار و آزادی و زندگی در شرایطی بری از ظلم و ستم و استثمار خواهد بود.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: رفیق اشرف با تشکر بسیار که به پرسش های بازدیدکنندگان این کانال پاسخ دادید. به امید این که در آینده هم پاسخگوی پرسش های ما باشید.

رفیق اشرف: من باید از شما که امکان این گفتگو را فراهم کردید، تشکر کنم. برایتان در فعالیت های مبارزاتی تان پیروزی آرزو می کنم. موفق باشید.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۴۶ ، دی ماه [جدی] ۱۳۹۸

یادداشت:

زبان گفتار مصاحبه از جانب پورتال ویراستاری نشده است.

اداره پورتال AA-AA